

«فرهخیستان» وضعیت توسعه در کشور را بررسی می کند

شیب تند رشد تجدید ناپرابری در استان های محروم



مهدی عبداللهی
دبیر گروه اقتصاد

هماهنگی بین اهداف برنامه های توسعه در سطح کشور و در سطح مناطق بسیار مهم است. کاهش سطح اختلاف منطقه ای در موضوعات مختلف و دستیابی به اهداف توسعه معادل و پایدار ملی، همگی در گرو حل معضلات و موانع ریشه ای تحقق مدیریت و برنامه ریزی منطقه ای است. اقتصاد منطقه ای دارای بخش های مختلفی است که هر کدام از آنها دارای ظرفیت متفاوتی هستند. تغییر در ظرفیت هر کدام از بخش های اقتصادی در مناطق یا استان ها علاوه بر اینکه به صورت مستقیم و غیرمستقیم رشد اقتصادی کل اقتصاد را تحت تاثیر قرار می دهد، در صورتی که تغییرات آن با سیاستگذاری های توزیعی همراه شود، می تواند در کاهش نابرابری ها در سطح استان و کشور هم موثر عمل کند.

از این رو، در مرحله اول شناسایی مزیت های نسبی هر کدام از بخش های اقتصادی در تصمیم گیری و سیاستگذاری برای توسعه اقتصادی هر کدام از مناطق بسیار مهم است. در این راستا تشخیص مزیت های نسبی استان های کمتر توسعه یافته کشور برای برنامه ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی آنها در جهت کاهش شکاف های درآمدی حائز اهمیت است. از آنجا که بخش های مختلف به طور مستقیم رشد اقتصادی یک منطقه را تحت تاثیر قرار می دهند درک مزیت های رقابتی این بخش ها برای تصمیمات توسعه منطقه اهمیت پیدا می کند. بنابراین دانستن میزان رقابت پذیری یک استان یا منطقه در جریان توسعه اقتصادی امری مهم و ضروری است، چراکه این آگاهی، فرصتی برای انتخاب سیاست بهینه و با تصمیمات سرمایه گذاری مناسب در همین زمینه یکی از دلایل عدم شناخت امکان و قابلیت های مناطق مختلف در زمینه رشد اقتصادی و کم توجهی به تکالیف آمایش سرزمین برای متعادل سازی بین جمعیت، فضا و فعالیت به وجود آمده است.

تمرکز ۷۹ درصد تولیدات صنعتی

در ۱۰ استان

در دهه های اخیر رشد و توسعه مناطق به عنوان یکی از اهداف مهم دولت ها مورد توجه قرار گرفته است. با بررسی اقتصاد منطقه ای کشورهای مختلف مشخص می شود که گرچه برخی مناطق نسبت به مناطق دیگر عملکردی بهتر و در مقایسه با میانگین کشور رشد اقتصادی بالاتری دارند، با این حال فاصله مناطق به قدری نیست که در یک سو استانی هیچ سهمی از اقتصاد ملی نداشته و در دیگر سو، چندین منطقه همه اقتصاد ملی را ببلند. این رشد متوازن و فرایند ناشی از ساختار اقتصادی مناسب، وجود مزیت های نسبی در فعالیت های مختلف و سیاستگذاری و برنامه ریزی منطقه ای صحیح است. بی توجهی به استعدادها، توانایی ها و مزیت های نسبی هر منطقه در زمینه فعالیت های اقتصادی موجب می شود سرمایه گذاری ها متناسب با امکانات و ظرفیت های بالقوه مناطق صورت نگیرد و به رغم اجرای برنامه های متعدد توسعه ملی و منطقه ای همچنان روند توسعه نیافتگی مناطق ادامه یابد.

بررسی داده های مرکز آمار ایران نشان می دهد طی سال ۱۳۹۴ از کل تولید کارگاه های صنعتی کشور در سال گذشته، حدود ۷۹ درصد آن مربوط به ۱۰ استان شامل تهران، خوزستان، اصفهان، بوشهر، مرکزی، هرمزگان، آذربایجان، شرقی، البرز، خراسان رضوی و قزوین بوده و سهم ۱۰ استان انتهایی شامل استان های گلستان، چهارمحال و بختیاری، لرستان، اردبیل، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، کردستان، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد تنها ۳/۳ درصد است. همچنین نکته قابل تأمل اینکه در سال ۱۳۹۸ در حالی سهم ۱۰ استان اول از کل تولیدات صنعتی کشور حدود ۷۹ درصد است که این میزان در سال ۱۳۹۴ حدود ۷۷ درصد است. در خصوص ۱۰ استان انتهایی نیز در حالی سهم این استان ها از تولیدات صنعتی کشور طی سال ۱۳۹۴ حدود ۲/۳ درصد است که این میزان در این معنی است که طی سال های اخیر تنها کشور

به سمت تمرکززدایی حرکت نکرده، بلکه جریان کلی به سمت تقویت بیمارگونه تمرکزگرایی نیز بوده است.

۴۳ درصد GDP ایران از ۳ استان

در میان معیارهای اقتصادی، تولید ناخالص داخلی یا همان GDP از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این شاخص تنها تهه برای مقایسه و بررسی عملکرد اقتصادی یک کشور یا یک منطقه یا استان، بلکه برای محاسبه و تجزیه و تحلیل سایر شاخصه های اقتصادی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. در یک تعریف کلی به کل ارزش (ریالی) محصولات و خدمات نهایی تولید شده توسط عوامل اقتصادی (مردم) در یک استان یا کشور در یک بازه زمانی مشخص (معمولا یک ساله)، تولید ناخالص داخلی می گویند. از طرف دیگر، می توان تولید ناخالص داخلی را برابر با کل هزینه های انجام شده از سوی افراد و کل درآمدهای به دست آمده برای آنها فرض کرد، چراکه در اقتصاد همه چیز دوسویه بوده و مثلا همه معاملات بین دوتن انجام شده و درآمد یکی، هزینه دیگری است. براساس داده های منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، تولید ناخالص داخلی کشور (به قیمت باز) در سال ۹۸ برابر ۳۳۴۸ هزار میلیارد تومان بوده که ۴۳ درصد آن به استان تهران، خوزستان و اصفهان رقم خورده و ۷۰ درصد آن یعنی چیزی در حدود ۲۲۸۲ هزار میلیارد تومان آن تنها در ۱۰ استان کشور بوده است. براساس آمارها ۱۰ استان شامل تهران، خوزستان، اصفهان، بوشهر، خراسان رضوی، فارس، آذربایجان شرقی، مازندران، البرز و کرمان از نظر تولید کالا و خدمات نهایی از دوبرابر عملکرد تولیدی ۲۱ استان بیشتر بوده اند. این ۱۰ استان به ترتیب ۲۳، ۱۴، ۱۰، ۵، ۵، ۵، ۳، ۳، ۳ و ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را در سال ۹۸ تشکیل می دهند. تولیدات هر استان و روند آن می تواند دماسنج خوبی برای تحلیل توصیف یک کشور یا استان از نظر متغیرهای کل نظام تولید، اشتغال و پویایی اقتصادی، قدرت خرید خانوارها... باشد. بر همین منظور تولیدات ۹۳۸ هزار میلیارد تومانی ۲۱ استان با وجود جمعیتی در حدود ۳۶ میلیون نفر در مقابل تولیدات ۲۲۸۲ هزار میلیارد تومانی ۱۰ استان با جمعیت ۴۸ میلیونی نشان دهنده توسعه نامتوازن و یکجانبه در استان های ایران است. استان های کردستان، سمنان، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی و خراسان جنوبی نیز به ترتیب ۰/۸، ۰/۶، ۰/۴ و ۰/۵ درصد را در تولید ناخالص داخلی تشکیل داده اند و با قرار گرفتن در انتهای جدول تقسیم سهم چندانی در تولید و درآمد کشور ندارند. البته این آمار به هیچ وجه نشان دهنده رشد اقتصادی در ۱۰ استان مذکور یا حتی بالاتر بودن رفاه اقتصادی افراد مقیم آن استان ها نبوده، چراکه اولاً رونق اقتصادی در ابعاد استانی هیچ گاه مطرح نبوده و این رونق اقتصادی در ابعاد کشور است. می تواند مایه مباهات باشد و دوم آنکه رفاه اقتصادی متغیری است که بیشتر از آنکه به سطح تولیدات یک منطقه وابسته باشد به نحوه توزیع درآمد بین طبقات آن جامعه و البته ویژگی های قومیتی مرتبط می شود.

بنابراین پیام چنین اختلاف تولیدی در ۱۰ استان کشور در مقایسه با ۲۱ استان کشور تنها تخصیص و توزیع نامناسب امکانات، بودجه و برنامه های اقتصادی بدون توجه به توانایی ها، پتانسیل ها و مزیت های نسبی بین این دو گروه از استان های کشور است.

جذب ۸۹ درصد سرمایه گذاری خارجی توسط ۱۰ استان

سرمایه، موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی در تمام نظریات و الگوهای رشد اقتصادی محسوب می شود. عدم تکافوی منابع داخلی برای سرمایه گذاری، کشورها را ناگزیر به جذب سرمایه های خارجی و رقابت در جذب آن کرده است. نتایج پژوهش های مختلف موبد این مطلب است که عوامل اقتصادی، حمایتی، ساختاری و عوامل قانونی و مقرراتی از جمله عواملی هستند که موجب شده جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران در مقایسه با دیگر کشورها و حتی کشورهای منطقه ناچیز باشد. گرچه میزان سرمایه گذاری خارجی جذب شده در ایران در مقایسه با دیگر کشورها چندین چشمگیری نیست، اما در جذب همین مقدار اندک نیز عمده آن در برخی استان ها متمرکز شده و برخی دیگر تقریباً هیچ سهمی از سرمایه گذاری خارجی ندارند. در همین خصوص، براساس آخرین آمارهای مرکز آمار ایران به نقل از وزارت امور اقتصادی و دارایی در گزارش اخیر منتشر کرده، طی سال ۱۳۹۷ از مجموع ۵ میلیارد و ۱۰۵ میلیون دلار سرمایه گذاری خارجی جذب در کشور (مستقیم و غیرمستقیم) حدود ۳ میلیارد و ۶۹۳ میلیون دلار در ۳۱ استان کشور و مابقی در مناطق آزاد جذب شده است. در بین استان های مختلف (بدون در نظر گرفتن مناطق آزاد)، نزدیک به ۸۹ درصد این سرمایه گذاری جذب شده مربوط به ۱۰ استان به ترتیب شامل استان های یزد، کرمان، تهران، خراسان جنوبی، گیلان، البرز، کرمانشاه، خراسان رضوی، آذربایجان غربی و فارس است. در بین استان هایی که بیشترین سرمایه گذاری را جذب کرده اند، استان یزد و کرمان به ترتیب با جذب ۲۳ درصد از حجم سرمایه گذاری خارجی، در رتبه های اول و دوم قرار دارند. در رتبه سوم تهران با جذب

درصد و خراسان جنوبی نیز با جذب ۶/۸ درصد در رتبه های سوم و چهارم قرار دارند. همچنین طبق این آمارها ایلام، بوشهر، کردستان و کهگیلویه و بویراحمد استان هایی هستند که در آخرین آمارها جذب سرمایه گذاری خارجی نداشته اند.

کاهش مجدد اعطای وام در استان ها

وضعیت تسهیلات اعطایی به سپرده ها در جدول به تفکیک استان های مختلف برای سال های ۹۴ و ۹۸ آمده است. متوسط نسبت تسهیلات به سپرده ها در نظام بانکی کشور در پایان سال ۹۸ در حدود، ۷۹ درصد بوده است که این میزان در مقایسه با سال ۹۴ افت ۴ درصدی را نشان می دهد. میزان استاندارد جهانی این نسبت بین ۸۰ تا ۹۰ درصد است. روند کاهشی نسبت تسهیلات بانکی به سپرده ها (پس از کسر سپرده قانونی)، افزایش شکاف تسهیلات به سپرده و کاهش قدرت وام دهی در شبکه بانکی کشور را نشان می دهد که این اتفاق می تواند ناشی از عملکرد محتاطانه بانک ها در اعطای تسهیلات به دلیل بالا بودن نسبت مطالبات غیر جاری بانک ها، نرخ بهره واقعی نسبتاً پایین یا نرخ تورم بالا باشد. واضح است که بالا بودن این نسبت و توزیع بهینه و بدون رانت تسهیلات در امور اقتصادی واقعی هر استان می تواند منجر به رونق ریشه ای صنایع اقتصادی آن استان باشد. البته مجدداً باید تأکید کرد در صورت توزیع بهینه و بدون رانت چنین نتیجه ای حاصل خواهد شد. براساس داده های آمار، بالاترین میزان مربوط به استان های کهگیلویه و بویراحمد (۱۰۵ درصد)، ایلام (۱۰۳ درصد) و خراسان شمالی (۹۹ درصد) است. بالاتر از صد بودن شاخص نسبت تسهیلات به سپرده ها به معنای آن است که بیش از میزانی که سپرده در آن استان ها جذب شده است، تسهیلات پرداخت شده است که این موضوع می تواند ناشی از سیاست های کلی نظام بانکی در راستای کاهش محرومیت در استان های مذکور باشد. در مقابل با استان های با نسبت بالاتر از صدها درصد، استان های البرز (۴۶ درصد)، فارس (۵۰ درصد)، قم (۵۲ درصد)، خوزستان (۵۲ درصد) قرار دارند که نسبت مذکور کمتر از ۵۵ درصد است. به این معنا که کمتر از ۵۵ درصد از منابع تجهیز شده از طریق سپرده ها به تسهیلات بانکی در همان استان اختصاص داده می شود که در نهایت چنین اتفاقی به زعم کارشناسان منجر به کمبود تأمین مالی بنگاه ها و کسب و کارهای متفاوت از سوی بانک ها خواهد شد. در بین تمامی استان های کشور تنها استان لرستان، گلستان، چهارمحال و بختیاری، سمنان، زنجان، اردبیل، خراسان جنوبی و کرمانشاه نسبت استاندارد را رعایت کرده و بین ۸۰ تا ۹۰ درصد سپرده های بانکی را در قالب تسهیلات اعطا کرده اند.

کاهش سپرده گذاری استان ها در سیستم بانکی

آمارهای منتشر شده از نرخ رشد سپرده های بانکی به تفکیک استان در پایان اسفند سال ۹۸ حاکی از آن است که مانده کل سپرده ها نسبت به پایان سال ۹۴ کاهش داشته است. جالب است که تنها استان بوشهر بوده است که در بین تمام استان های کشور روند رو به رشد سپرده های بانکی را حفظ کرده است. احتمالاً کاهش سپرده گذاری بانکی در کل کشور و ۲۹ استان به دلیل افزایش تورم، شروع التهاجات اقتصادی از ابتدای سال ۹۷ و در نهایت عدم تمایل مردم به سپرده گذاری در بانک ها بوده است. با توجه به افزایش روزافزون قیمت ها در بازارهای مختلف نگهداری پول در هر بازاری سود بیشتری از سیستم بانکی خواهد

داد که همین مساله علاقه به سرمایه گذاری بانکی را کاهش داده است. عمده پول های سپرده نشده در بانک ها احتمالاً صرف سفته بازی های مختلفی شده است چرا که اگر به فعالیت های واقعی اقتصاد تخصیص داده می شد می بایست روند مثبتی را در تولید ناخالص داخلی نظاره گر باشیم. به جز دو استان بوشهر و کردستان که از نرخ رشد ۴۰ و ۶۴ درصدی سپرده های بانکی در سال ۹۸ برخوردار بوده اند، مابقی استان ها رشد کمتر از ۳۰ درصد را تجربه کرده اند که در مقایسه با سال های پیش افت بزرگی را نشان می دهد.

تشدید نابرابری در محروم ترین استان

هماهنگی بین اهداف برنامه های توسعه در سطح کشور و در سطح مناطق بسیار مهم است. کاهش سطح اختلاف منطقه ای در موضوعات مختلف و دستیابی به اهداف توسعه معادل و پایدار ملی، همگی در گرو حل معضلات و موانع ریشه ای تحقق مدیریت و برنامه ریزی منطقه ای است. در همین زمینه بررسی و تحلیل موانع کلان برنامه ریزی در ایران، نشان می دهد اصلی ترین عامل موثر بر فرآیند توسعه منطقه ای در کشور، نظام مدیریتی و برنامه ریزی متمرکز بوده است. کاهش سطح اختلاف منطقه ای در موضوعات مختلف و دستیابی به اهداف توسعه معادل و پایدار ملی، همگی در گرو حل معضلات و موانع ریشه ای تحقق مدیریت و برنامه ریزی منطقه ای است. از این رو، برای جلوگیری از افزایش شتاب نابرابری درآمدی در بین استان ها، سیاست های اقتصادی در کشور باید مبتنی بر تکالیف آمایش سرزمین و متعادل سازی بین جمعیت، فضا و فعالیت صورت گیرد.

اما وجود نابرابری های گسترده در توزیع درآمد در هر منطقه جغرافیایی اعم از یک شهر، استان یا کشور به بروز فقر و افزایش داخلی آن و ایجاد شکاف بیشتر در طبقات اجتماعی نیز منجر می شود. توزیع درآمد به توضیح چگونگی سهم افراد یک کشور از درآمد ملی می پردازد. به عبارتی، توزیع درآمد در برابر موجود بودن درآمد افراد یک کشور را توصیف می کند. پدیده نابرابری درآمد نه تنها از دلایل عمده فقر است، بلکه یکی از عوامل مهارکننده رشد اقتصادی نیز محسوب می شود. برای سنجش وضعیت توزیع درآمد یک جامعه، از شاخص های آماري مختلف استفاده می شود که در اینجا به آمارهای ضریب جینی استناد می شود. عدد ضریب جینی بین صفر (اشاره به برابری کامل در توزیع درآمد ها) و یک (حاکمی از نابرابری کامل در توزیع درآمد ها می خارج است).

در این خصوص بررسی داده های مرکز آمار ایران نشان می دهد میانگین ضریب جینی در کشور طی سال گذشته ۰/۳۹۹۲ بوده که این میزان در استان سیستان و بلوچستان حدود ۰/۴۴۷۹ بوده است. در استان تهران نیز این شاخص با عدد ۰/۴۰۶۲ بالاتر از میانگین کشوری بوده است. همچنین استان های هرمزگان، گلستان، همدان و آذربایجان غربی به ترتیب در رتبه های سوم تا ششم بیشترین عدد شاخص ضریب جینی را داشته اند. نکته مهم تر اینکه در حالی ضریب جینی کشور در سال گذشته به ۰/۳۹۹۲ رسیده که این شاخص در سال ۱۳۹۴ حدود ۰/۳۸۵۱ بوده و مقدار آن در استان های سیستان و بلوچستان و تهران نیز به ترتیب ۰/۳۸۶۷ و ۰/۳۸۶۷ بوده است. همچنین سیستان و بلوچستان طی سال گذشته در حالی به رتبه اول کشور از لحاظ نابرابری صعود کرده که در سال ۹۴ رتبه این استان سوم کشوری بوده و به جای این استان، استان گلستان رتبه اول و استان تهران رتبه دوم را داشته اند. این وضعیت نشان می دهد طی سال های اخیر تنها میانگین شاخص ضریب جینی در کشور افزایش یافته،

بلکه محل اصابت سیاست های حمایتی و یارانه ای نیز موثر نبوده و همچنین تلاشی برای توسعه اقتصادی در بلندمدت در مناطق کمتر برخوردار صورت نگرفته است.

تور داغ مهاجرت در استان ها

سیاست های جمعیتی به کلیه تمهیداتی که دولت و نهاد های اجرایی و قانونی برای تأثیر گذاشتن بر ویژگی های کمی و کیفی یک جمعیت تصویب و اجرا می کنند، اطلاق می شود. در واقع سیاست های جمعیتی، اصطلاحی است در جمعیت شناسی با تعاریف مختلف که همگی این تعاریف اشاره دارند به مجموعه اصول و تدابیر و برنامه های مشتمل بر اقدامات موثر بر رشد و ساختار و توزیع جمعیت، یعنی تشریح چگونگی و حدود فعالیت دولت در مسائل جمعیتی و به طور خلاصه به کلیه اصول و قوانینی در حوزه جمعیت که از سوی دولت در جهت هماهنگ سازی شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه در راستای دستیابی به توسعه پایدار، تدوین کرده اطلاق می شود. امروزه بسیاری از کشورها در حالت عدم تعادل جمعیتی قرار دارند، از یک سو کشورهای در حال توسعه با مشکلات و مسائل توزیع نامتعادل جمعیت در جغرافیای ملی دست و پنجه نرم می کنند و از سوی دیگر جوامع توسعه یافته از نتایج منفی شدن رشد جمعیت و سالخوردگی جمعیت رنج می برند. اما ایران وضعیت متفاوت و جالب توجهی دارد؛ از یک سو چگونگی توزیع مکانی جمعیت که یکی از مباحث مهم ساختار جمعیت بوده، در ایران توزیعی نامتناسب و نامتعادل دارد. در سویی دیگر، کاهش قابل توجه نرخ رشد جمعیت طی دودهه اخیر نیز مساله ای است که همه کارشناسان و مسئولان حاکمیتی از آن به عنوان بحران در دهه های



آتی یاد می کنند. در خصوص توزیع نامتناسب و نامتعادل جمعیت که ناشی از عوامل متنوع طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی است، از آنجا که عوامل مذکور اثر همدیگر را تشدید یا خنثی کرده، گرچه تعیین تاثیر جداگانه آنها امکان پذیر نیست؛ اما بررسی های آماری موبد این نکته است که ناحیه جغرافیایی شمال و شمال غرب ایران متمرکزترین نواحی ایران است و در مقابل، نواحی جنوب شرق و شرق، جمعیت پراکنده ای دارند.

در این خصوص بررسی داده های آماری نیز نشان می دهد طی سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ و وضعیت متفاوت در تغییرات جمعیتی کشور تجربه شده است؛ مورد اول اینکه در حالی مجموع میانگین رشد جمعیت طی این دوره حدود ۵/۲ درصد بوده که این میزان در استان های هرمزگان، سیستان و بلوچستان، یزد، سمنان، قم، بوشهر و البرز بین ۸ تا ۹/۶ درصد بوده است. در مقابل این استان ها که بیشترین رشد جمعیت را تجربه کرده اند، استان مرکزی، اردبیل، کرمانشاه، لرستان، گیلان و همدان استان هایی هستند که نرخ رشد جمعیت آنها طی دوره چهار ساله کمتر از ۳ درصد بوده است. این ارقام زمانی قابل تأمل تر می شود که این استان ها در حالی بین ۱/۵ تا ۲/۵ میلیون جمعیت دارند که طی چهار سال جمعیت هر کدام از این استان ها تنها بین ۲۹ تا ۴۲ هزار نفر افزایش یافته است. بر این اساس در یک جمع بندی می توان گفت گرچه در استان های جنوبی و جنوب شرق نرخ رشد جمعیت به واسطه افزایش زاد و ولد و حجم اندک تحرکات اجتماعی افزایش یافته، اما در استان هایی که جمعیت آنها رشد اندک داشته، تحرکات جمعیتی و مهاجرت عامل اصلی این وضعیت بوده است.

تغییرات میزان شاخص ضریب جینی و جایگاه استان ها در شاخص نابرابری طی سال های ۹۴ و ۹۸				
استان	سال ۹۴		سال ۹۸	
	رتبه	شاخص ضریب جینی	رتبه	شاخص ضریب جینی
کشور	۰/۳۸۵۱	-	۰/۳۹۹۲	-
سیستان و بلوچستان	۰/۳۵۹۴	۳	۰/۴۴۷۹	۱
تهران	۰/۳۷۶۷	۵	۰/۴۰۶۲	۲
هرمزگان	۰/۳۵۳۲	۲	۰/۳۶۶۳	۳
گلستان	۰/۳۸۴۳	۱	۰/۳۵۹۱	۴
همدان	۰/۳۲۸۸	۱۳	۰/۳۵۸۶	۵
آذربایجان غربی	۰/۳۵۶۹	۲۹	۰/۳۵۸۵	۶
خراسان شمالی	۰/۳۳۵۲	۹	۰/۳۵۴۸	۷
آذربایجان شرقی	۰/۳۳۵۰	۱۰	۰/۳۳۳۲	۸
خوزستان	۰/۳۴۱۰	۷	۰/۳۳۴۴	۹
خراسان رضوی	۰/۳۳۵۶	۸	۰/۳۳۱۱	۱۰
یزد	۰/۲۴۹۷	۳۱	۰/۳۲۲۵	۱۱
خراسان جنوبی	۰/۲۸۰۱	۲۵	۰/۳۲۲۹	۱۲
زنجان	۰/۲۸۳۹	۲۴	۰/۳۲۰۵	۱۳
فارس	۰/۳۵۹۲	۴	۰/۳۲۰۰	۱۴
مازندران	۰/۲۸۵۵	۲۳	۰/۳۱۸۸	۱۵
کرمان	۰/۳۳۳۹	۱۱	۰/۳۱۷۶	۱۶
قم	۰/۲۹۶۰	۱۸	۰/۳۱۵۴	۱۷
کردستان	۰/۲۹۵۴	۱۹	۰/۳۱۵۱	۱۸
لرستان	۰/۲۵۹۵	۲۸	۰/۳۱۴۹	۱۹
چهارمحال و بختیاری	۰/۳۳۲۰	۱۲	۰/۳۱۳۱	۲۰
ایلام	۰/۲۶۲۳	۲۷	۰/۳۱۲۴	۲۱
اردبیل	۰/۲۷۳۶	۲۶	۰/۳۱۲۱	۲۲
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۲۹۵۰	۲۰	۰/۳۱۱۸	۲۳
اصفهان	۰/۳۵۰۹	۶	۰/۳۱۱۶	۲۴
البرز	۰/۳۵۶۷	۳۰	۰/۳۰۹۵	۲۵
کرمانشاه	۰/۳۰۰۶	۱۷	۰/۳۰۲۱	۲۶
گیلان	۰/۳۲۷۰	۱۴	۰/۲۹۸۲	۲۷
سمنان	۰/۲۸۹۱	۲۱	۰/۲۹۳۸	۲۸
بوشهر	۰/۳۲۴۴	۱۵	۰/۲۸۷۹	۲۹
قزوین	۰/۳۸۸۶	۲۲	۰/۲۶۸۳	۳۰
مرکزی	۰/۳۰۳۵	۱۶	۰/۲۶۱۵	۳۱

تغییرات تعداد جمعیت استان های ایران طی سال های ۹۴ تا ۹۸				
استان	تعداد جمعیت در سال ۹۴		تعداد جمعیت در سال ۹۸	
	تعداد	تغییرات درصد	تعداد	تغییرات درصد
هرمزگان	۱،۷۳۵،۰۰۰	۱،۹۰۲،۰۰۰	۱،۶۷۰،۰۰۰	۹،۶
سیستان و بلوچستان	۲،۷۲۵،۰۰۰	۲،۹۷۸،۰۰۰	۲۵۳،۰۰۰	۹،۳
یزد	۱،۱۱۰،۰۰۰	۱،۲۱۳،۰۰۰	۱۰۳،۰۰۰	۹،۳
سمنان	۶۸۷،۰۰۰	۷۵۰،۰۰۰	۶۳،۰۰۰	۹،۲
قم	۱،۲۳۳،۰۰۰	۱،۳۷۳،۰۰۰	۱۱۰،۰۰۰	۸،۷
بوشهر	۱،۱۳۶،۰۰۰	۱،۲۳۰،۰۰۰	۹۴،۰۰۰	۸،۲
البرز	۲،۶۵۰،۰۰۰	۲،۸۶۵،۰۰۰	۲۱۵،۰۰۰	۸،۱
خراسان رضوی	۶،۳۴۴،۰۰۰	۶،۷۶۸،۰۰۰	۴۲۴،۰۰۰	۶،۷
خراسان جنوبی	۷۶۱،۰۰۰	۸۰۹،۰۰۰	۴۸،۰۰۰	۶،۳
کهگیلویه و بویراحمد	۷۰۳،۰۰۰	۷۴۴،۰۰۰	۴۲،۰۰۰	۶
تهران	۱۳،۰۴۴،۰۰۰	۱۳،۸۰۷،۰۰۰	۷۶۳،۰۰۰	۵،۸
کرمان	۳،۱۱۹،۰۰۰	۳،۲۹۹،۰۰۰	۱۸۰،۰۰۰	۵،۸
گلستان	۱،۸۵۰،۰۰۰	۱،۹۵۱،۰۰۰	۱۰۱،۰۰۰	۵،۵
آذربایجان غربی	۳،۲۲۷،۰۰۰	۳،۳۹۸،۰۰۰	۱۷۱،۰۰۰	۵،۳
کل کشور	۷۸،۹۴۱،۰۰۰	۸۳،۰۷۵،۰۰۰	۴،۱۳۴،۰۰۰	۵،۲
قزوین	۱،۲۵۹،۰۰۰	۱،۳۲۲،۰۰۰	۶۳،۰۰۰	۵
کردستان	۱،۵۸۰،۰۰۰	۱،۶۵۸،۰۰۰	۷۸،۰۰۰	۴،۹
چهارمحال و بختیاری	۹۳۶،۰۰۰	۹۷۹،۰۰۰	۴۳،۰۰۰	۴،۶
خوزستان	۴،۶۷۵،۰۰۰	۴،۸۸۵،۰۰۰	۲۱۰،۰۰۰	۴،۵
زنجان	۵،۰۷۳،۰۰۰	۵،۲۹۲،۰۰۰	۲۱۹،۰۰۰	۴،۳
اصفهان	۴،۷۹۹،۰۰۰	۵،۰۰۶،۰۰۰	۲۰۷،۰۰۰	۴،۳
فارس	۳،۸۷۲،۰۰۰	۴،۰۱۸،۰۰۰	۱۴۶،۰۰۰	۳،۸
آذربایجان شرقی	۵۷۵،۰۰۰	۵۹۷،۰۰۰	۲۲،۰۰۰	۳،۸
ایلام	۳،۲۴۱،۰۰۰	۳،۳۶۵،۰۰۰	۱۲۴،۰۰۰	۳،۸
مازندران	۸۶۴،۰۰۰	۸۹۲،۰۰۰	۲۸،۰۰۰	۳،۲
خراسان شمالی	۱،۴۳۶،۰۰۰	۱،۴۶۷،۰۰۰	۳۱،۰۰۰	۲،۹
مرکزی	۱،۲۶۶،۰۰۰	۱،۲۹۷،۰۰۰	۳۱،۰۰۰	۲،۴
اردبیل	۱،۹۵۱،۰۰۰	۱،۹۸۹،۰۰۰	۳۸،۰۰۰	۱،۹
کرمانشاه	۱،۷۵۹،۰۰۰	۱،۷۹۳،۰۰۰	۳۴،۰۰۰	۱،۹
لرستان	۲،۵۲۰،۰۰۰	۲،۵۶۲،۰۰۰	۴۲،۰۰۰	۱،۷
گیلان	۱،۷۴۴،۰۰۰	۱،۷۷۱،۰۰۰	۲۹،۰۰۰	۱،۷
همدان				

سهم استان های مختلف ایران از ارزش تولید کارگاه های صنعتی طی سال ۹۸			
استان	سهم از ارزش تولیدات صنعتی (درصد)		رتبه
	سهم	رتبه	
کل کشور	۱۰۰	-	-
تهران	۱۸،۵۰	۱	۱
خوزستان	۱۲،۴۵	۲	۲
اصفهان	۱۱،۹۷	۳	۳
بوشهر	۷،۸۱	۴	۴
مرکزی	۶،۶۹	۵	۵
هرمزگان	۵،۵۰	۶	۶
آذربایجان شرقی	۵،۰۹	۷	۷
البرز	۳،۷۵	۸	۸
خراسان رضوی	۳،۶۴	۹	۹
قزو			